



سُغدشناسی

در گفت‌وگو با دکتر بدرالزمان قریب

دکتر طوبی فاضلی پور

اشاره

خانم دکتر بدرالزمان قریب، بانویی انسان دوست و بزرگمنش و بنیان گذار کرسی آموزش زبان سغدی در ایران در سال ۱۳۵۰ است. وی سال‌ها در زمینه سغدشناسی و زبان سغدی به پژوهش پرداخته است. این گفت‌وگو در منزل خانم دکتر قریب انجام شده و لازم می‌دانیم از ایشان، بدین خاطر، تشکر کنیم. ضمناً در پایان این گفت‌وگو نوشته‌ای از وی با عنوان **نوروز**، ارائه می‌شود.

شدم. هرگاه فرصتی پیش می‌آمد شاهنامه، مثنوی، دیوان حافظ و آثار نظامی را می‌خواندم و گاهی هم شعر می‌گفتم. لذا به رشته ادبیات مایل شدم و در سال ۱۳۳۳ با قبولی در آزمون ورودی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تحصیل در این رشته را آغاز کردم. در دوره دانشجویی این اقبال را داشتم که از محضر استادانی چون **ابراهیم پورداود**، **پرویز ناتل خانلری**، **بدیع الزمان فروزانفر**، **محمدتقی مدرس رضوی**، **جلال الدین همایی**، **ذبیح الله صفا** و... فیض ببرم. شور و شوق آن استادان در تدریس و آشنایی با زبان پهلوی، فارسی باستان و اوستا آنچنان علاقه‌ای در من ایجاد کرد که تصمیم گرفتم این راه را ادامه دهم و به دلیل آن که شاگرد اول بودم در مسیر دکتری قرار گرفتم.

● **با شرحی که شما از دوران دانشجویی خود دادید آیا موافق هستنید کمی هم از خانواده و دوران تحصیلات قبل از دانشگاه بگویید؟**

● **خانم دکتر قریب، لطفاً بفرمایید چه شد شما به عرصه زبان شناسی به ویژه تخصص در زبان سغدی، که یکی از زبان‌های باستانی ایران است، وارد شدید؟**

○ قریب: حتماً شما می‌دانید که زبان سغدی زبانی بوده که مردم قسمتی از ایران، در هزاره اول میلادی، از دریای خزر تا مرزهای چین، با آن صحبت می‌کرده‌اند. سغد منطقه‌ای واقع میان دو رود سیحون و جیحون، ماوراءالنهر، و از دیرباز مسیر ارتباطی سرزمین‌های شرق و غرب بوده، و از وسعت و تنوع زیادی برخوردار بوده است. این زبان به سه خط مانوی، بودایی و سریانی نوشته می‌شود. سغد از ایالت‌های هخامنشی بود که در برابر حمله اسکندر مقاومت کرد و مردم آن به دلیل دفاع از سرزمینشان گرفتار کشتار فجیعی شدند و به همین دلیل به سوی چین مهاجرت کردند و در آنجا سکونت گزیدند.

بعدها زبان سغدی زبان دادوستد در جاده ابریشم شد. من بعد از گرفتن دیپلم طبیعی از ادامه تحصیل در آن رشته باز ماندم. تا اینکه فرصتی پیش آمد و به ادبیات فارسی علاقه‌مند

۱۳۵۰ به آموزش پرداختم و به مقام استادی رسیدم.

● شما که بخشی از دوران تحصیلاتتان را در خارج از ایران گذرانده‌اید چه تفاوتی در روش کار در اینجا و آنجا می‌بینید؟

○ در اینجا همه کار با استاد است که در کلاس به‌طور مداوم تدریس کند و مطالب را بازگو نماید، اما در آنجا بخش اعظم کار بر عهده دانشجویست که برود تحقیق کند و بیاید حرف بزند و کار ارائه دهد.

● شما تحت نظر پروفیسور هنینگ کار کرده‌اید آیا او هم همین روش را دنبال می‌کرد؟

○ بله هنینگ می‌گفت شما باید تحقیق کنید و بیاورید، و اشکال‌های خود را از من بپرسید.

● آیا شما هم این روش را در آموزش توصیه می‌کنید؟

○ البته شیوه خوبی است، اما به شرط آنکه دانشجو به موازات آن اطلاعات قبلی داشته باشد. در غیر این صورت من چطور از دانشجویانی که هیچ اطلاعاتی در مورد آن رشته ندارند بخواهم بروند آن مآخذ را بخوانند و بعد پیرسبم اشکالات چیست؟ نمی‌شود کار کرد. در آنجا وقتی سراغ رشته‌ای می‌روند اطلاعات پایه را دارند.

● آیا با همین روش دانشجویان زیادی را جذب زبان سغدی کردید؟

○ بله، من وقتی کار را شروع کردم سغدی نه متن داشت نه دستور و نه واژه‌نامه و من مجبور شدم همه کارها را خودم در کلاس انجام دهم.

● آیا از دوران دانشجویی خود خاطره‌ای دارید؟

○ خاطره که زیاد است، اما اینکه کدام‌یک را بگویم کمی دشوار است چون انبوه مطالب و خستگی به من اجازه نمی‌دهد، تنها می‌توانم بگویم که شاگردی استادان گرانقدر به من نکاتی را در حرفه دانشگاهی آموخت. علاقه‌مندی استاد ابراهیم پورداود در تدریس متون قدیمی، فروتنی استاد عبدالعظیم قریب که همیشه قبل از دانشجویان در کلاس حاضر بودند، دقت و موشکافی استاد محمد معین و بسیار نکاتی که استادان به من آموختند مشوق و الگوی من در این راه بود.

● خانم دکتر وقتی وارد منزل شما شدیم عکسی از دکتر مصدق با امضای ایشان توجه ما را جلب کرد. آیا این عکس مناسبتی دارد؟

○ بله، دوران دانشجویی من مصادف بود با دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد و به دلیل علاقه‌ای که من به ایشان، به‌عنوان کسی

○ بله، من متولد سال ۱۳۰۸ هستم. در تهران به دنیا آمده‌ام؛ در خاندان قریب که همگی اهل فرهنگ بوده‌اند. خانواده‌ام همواره مرا برای کسب علم و مدارج عالی تشویق می‌کردند. تحصیلات دوران دبستان و دبیرستان را در مدرسه فرانسوی ژاندارک سپری کردم. آشنایی من با زبان فرانسه نقش مهمی در موفقیت‌های علمی من داشت. جد من شمس‌العلمای گرکانی (قریب) از علمای بزرگ بود که در ادبیات فارسی و عربی ذوق بسیار داشت. او دو کتاب، یکی به نام **أبدع البدایع** و دیگری **قطفوف الربیع فی صنوف البدیع**، که خلاصه‌ای از کتاب اول است نوشته که در آن اصول فقه را به شعر عربی درآورده است. من کتاب قطفوف الربیع را با مقدمه دکتر مهدی محقق به چاپ رسانده‌ام. اما چگونگی ورودم به دانشگاه! در سال ۱۳۳۶ مدرک لیسانس زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه تهران اخذ کردم و پس از یک سال به دلیل علاقه‌مندی به زبان‌های باستانی و شناخت ریشه‌های فرهنگ ایرانی، از دانشگاه پنسیلوانیا بورس گرفتم و عازم آمریکا شدم. پس از دو سال فوق لیسانس خود را که رشته‌ای بین شرق‌شناسی و زبان‌شناسی بود در گروه زبان‌شناسی و خاورشناسی دانشگاه پنسیلوانیا به پایان رساندم. یک سال در دانشگاه میشیگان مشغول به کار شدم و ضمن کار مکتب‌های مختلف زبان‌شناسی را گذراندم و با استادان بزرگی چون **جرج کامرون** آشنا شدم که اثر معروف او **تاریخ عیلام** است. سپس در دانشگاه برکلی از محضر استاد **والتر هنینگ** بهره بردم و تجربه‌های بسیار کسب کردم. هنینگ یکی از نوابغ ایران‌شناسی است.

● عنوان پایان‌نامه دکتری شما چه بود؟

○ من با راهنمایی پروفیسور مارک درسدن از پایان‌نامه‌ام با عنوان «تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی» دفاع کردم.

● بعد به ایران بازگشتید؟

○ بله.

● چه کار کردید؟

○ یک سال بعد در دانشگاه شیراز فعالیت خود را آغاز کردم. من همیشه فکر می‌کردم که باید به ایران بازگردم چون فرزند این آب و خاکم و دانسته‌های من باید در این سرزمین بارور شود و باید دین خود را به مردم ادا کنم.

● خانم دکتر چطور شد که در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شدید؟

○ از یک فرصت مطالعاتی یک سال و نیمه استفاده کردم و برای تحقیق به آمریکا رفتم. در بازگشت شنیدم که گروه زبان‌شناسی همگانی و فرهنگ و زبان‌های باستانی در دانشگاه تهران تأسیس شده است. فرصت خوبی بود که به تهران منتقل شوم، لذا از سال

که از حقوق این مملکت دفاع کرد، پیدا کرده بودم قصیده‌ای برای ایشان سرودم که توسط دکتر عبدالکریم قریب، به دکتر مصدق رساندم. ایشان هم این عکس را با ذکر نام من و تاریخ و امضا برای من ارسال کردند (در تاریخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۳۵ در احمدآباد).

● می‌توانید به آن شعر اشاره‌ای بفرمایید؟

○ بله، یک بیت آن این است:
ای روشنی دیده ایران چگونه‌ای؟
تنها نشسته گوشه زندان چگونه‌ای؟

● لطفاً تعریفی از زبان‌شناسی برای خوانندگان ما که دبیران تاریخ هستند، داشته باشید.

○ این تعریف را باید از زبان‌شناسان عمومی پرسید. اما، به‌طور کلی، زبان‌شناسی شناخت اصوات زبان است که از واژه‌شناسی و آواشناسی تشکیل شده است. از آنجا که زبان همیشه زنده است، زبان‌شناسی تحول زبان را هم بررسی می‌کند و در مجموع دانشی بسیار گسترده است.

● چه ارتباطی بین رشته تاریخ و زبان می‌بینید؟

○ ارتباط میان این دو بسیار گسترده و وسیع است، اما خلاصه

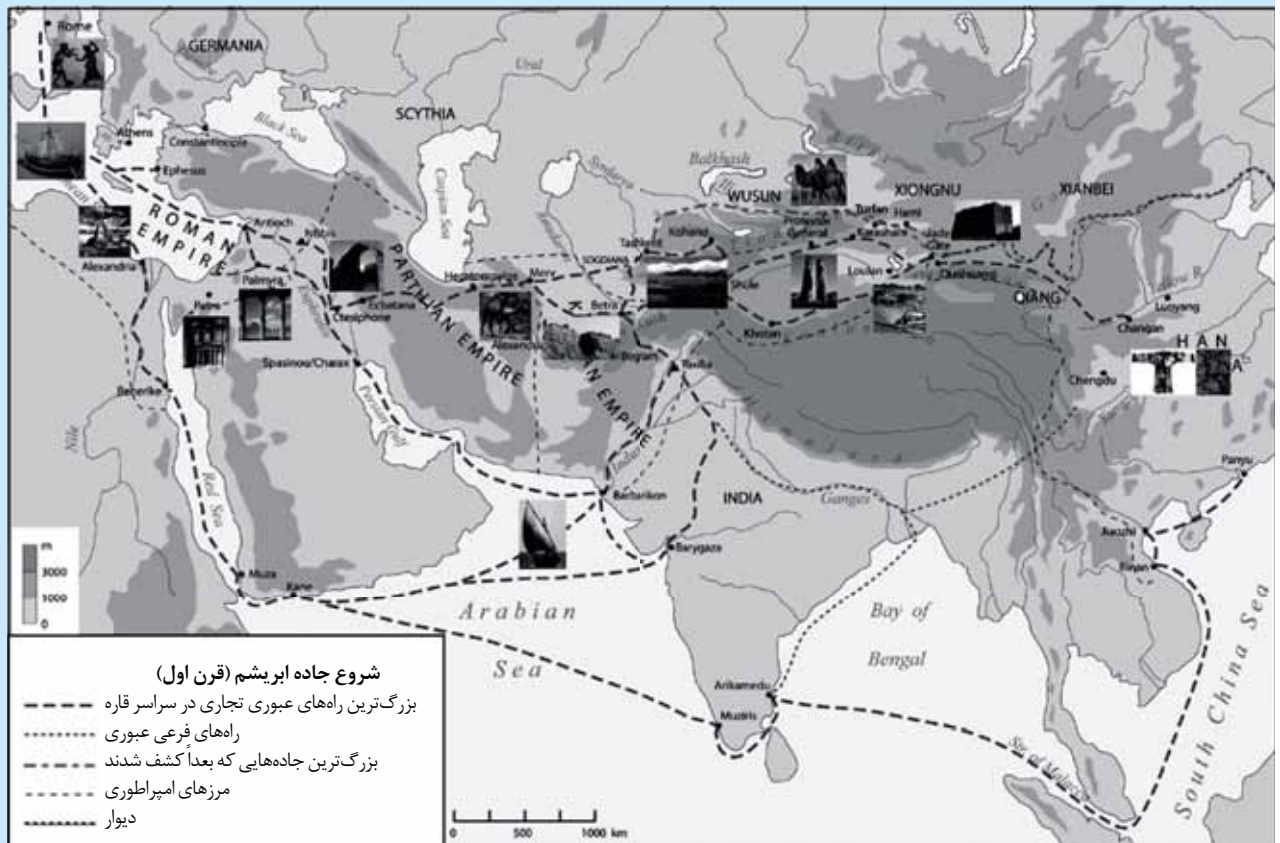
می‌گویم. تاریخ‌دانان، یا بهتر بگویم مورخان، حوادث را در طول زمان کندوکاو می‌کنند و زبان‌شناس زبان مورد مصرف آن دوره‌های تاریخی را.

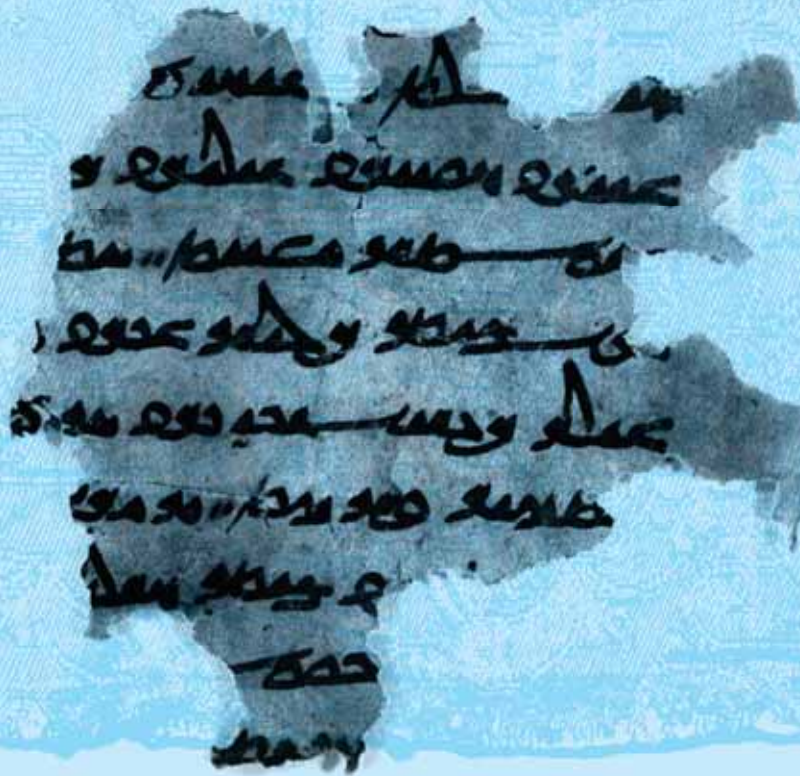
● خانم دکتر شما مؤسسی نخستین کرسی زبان سغدی در دانشگاه هستید. لطفاً در این مورد توضیح بفرمایید.

○ وقتی در این رشته به کار مشغول شدم مفهوم روشنی از این زبان در میان افراد تحصیل کرده وجود نداشت. اما من بسیار تلاش کردم تا در سال ۱۳۵۰ با تربیت شاگردانی بسیار که امروز استادان کارآمد و مبرزی هستند «زبان فراموش شده جاده ابریشم» را در جامعه فارسی‌زبانان بازشناساندم و امروز این دانش چنان پا گرفته که هم‌اکنون جزو واحدهای اصلی درس‌های گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی است و متخصصان معتبر و متعددی در این زمینه فعالیت می‌کنند. بعد هم به دلیل نیاز دانش پژوهان این رشته به فرهنگ‌نامه به فکر نوشتن «فرهنگ‌نامه سغدی» افتادم.

● نگارش فرهنگ‌نامه چه مدت طول کشید؟

○ ده سال وقت صرف جمع‌آوری واژه‌های مختلف سغدی از متون مختلف بودایی، مانوی و مسیحی کردم، و از نظر ریشه‌شناسی هم اطلاعاتی به آن‌ها اضافه کردم و ده سال اخیر





دست‌نوشته‌ای سغدی
به‌دست آمده از منطقه تورفان
در استان سین کیانگ چین.
بخش قابل توجهی از متون سغدی
موجود در آرشیو آکادمی علوم برلین
از این منطقه به‌دست آمده است.

● خانم دکتر! شما چه تحقیقاتی در متون کهن و فرهنگ ایرانی دارید؟

○ قبلاً تصور می‌شد که در فرهنگ ایرانی هفته وجود نداشته است. اما من، با جست‌وجو در منظومه هفت‌پیکر نظامی، دریافتیم که در این کتاب هر یک از روزهای هفته با نام ستارگان مشخص شده است. هم‌چنین با مطالعه گاهنامه قمری مانوی‌ها دریافتیم که آن‌ها نیز برای روزهای هفته نام‌هایی داشته‌اند. البته می‌دانیم که در گاهنامه زردشتی نیز روزهای ماه براساس نام ایزدان و رب‌النوع‌ها نامگذاری می‌شد و هر گاه نام روز و ماه با هم تطبیق می‌یافت آن روز را جشن می‌گرفتند.

● لطفاً از آثار خود بگویید؟

○ یکی فرهنگ‌نامه سغدی است. در پی نیاز مبرمی که به تدوین چنین کتابی بود به جمع‌آوری واژگان سغدی و کار بر روی فعل‌های این زبان پرداختیم. این واژگان را به دوزبان فارسی - انگلیسی ترجمه و آوانویسی کرده و اطلاعات مهمی نیز درباره ساختار زبان سغدی و خط آن ارائه دادیم. خوشبختانه این فرهنگ‌نامه در سراسر جهان مراجعه‌کنندگان بسیار دارد. اثر دیگرم کتاب زبان‌های خاموش، اثر یوهانس فریدریش، است که آن را با دکتر یدالله ثمره ترجمه کرده‌ام.

را نیز برای تجدیدنظر آن صرف کردم؛ یعنی حدود بیست سال می‌شود.

● در آثار پژوهشی شما اشاره‌ای به روایت داستان اصحاب کهف در زبان سغدی شده است. واقعیت این موضوع چیست؟

○ جدیدترین نوع متون سغدی مشتمل بر اندرزها، انجیل و تاریخ شهدای مسیحی است. در میان آن‌ها متنی وجود دارد که دچار صدمه شده است و نامش «خفتگان افسوس» است. به‌دلیل اینکه نام پادشاه، قاضی و یکی از اصحاب کهف در این متن آمده است، ما معتقدیم که این داستان همان داستان اصحاب کهف است. البته در این متن به سگ اصحاب کهف اشاره نشده است.

● شما کتیبه خشایارشا را، که در سال ۱۳۴۵ کشف شد، خوانده و ترجمه کرده‌اید. نظر تان در این مورد چیست؟

○ ترجمه این اثر اولین کار عملی من بود. این کتیبه که به‌صورت یک لوحه ۵۰ در ۵۰ سانتی‌متری و دورو نوشته شده به دستور خشایارشا از روی نسخه اصلی آن در آرامگاه داریوش رونوشت شده بود. این کشف باستانی در نوع خود بسیار ارزشمند بود و مسائل فراوانی را برای ما روشن می‌کرد.

● موضوع این کتاب چیست؟

○ درباره خطوط تصویری، مانند هیروگلیف، و دیگر خطوطی است که به صورت تصویر در غارها و بر دیوارهای قدیمی و باستانی نقش بسته است. کتاب مزبور روش رمزگشایی این خطوط است.

کتاب دیگری هم دارم به نام «داستان بودا به روایت سغدی» که تحلیل ساختاری فعل در زبان سغدی است و در سال ۱۹۶۵ به زبان انگلیسی منتشر شد.

● مقالات شما هم در همین زمینه‌هاست؟

○ بله. چندین مقاله به زبان فارسی و انگلیسی و یک مقاله به زبان فرانسه دارم. عنوان مقاله‌هایم این‌هاست: کتیبه پهلوی در چین؛ کتیبه تازه یافته خشایارشا؛ عیسی از دیدگاه مانی؛ نوروز جشن بازگشت به زندگی؛ خفتگان افسوس (اصحاب کهف به روایت سغدی)؛ اهمیت اعداد در اسطوره مانی؛ وجوه مشترک فارسی باستان و سغدی؛ سغدی‌ها در آسیای میانه؛ بهشت نور بر چرم سفید؛ خدای دین مزدیسنان در یک متن مانوی؛ تاریخچه گویش‌شناسی در ایران.

● خانم دکتر! شما اشاره کردید که مطالعه آثار ادبی شما

را در مسیر این رشته تخصصی قرار داد. آیا هنوز هم در این زمینه مطالعه دارید؟

○ من پس از آشنایی با زبان‌های باستانی دیگر چندان به ادبیات نپرداختم مگر در انجام کارهای تطبیقی، مثل مقایسه اندرزنامه‌های قبل و بعد از اسلام و مواردی از این قبیل.

● آیا ردپای اسطوره‌های ما در زبان سغدی هم به چشم می‌خورد؟

○ بله. در سغدی متن بسیار کوچکی از داستان‌های رستم وجود دارد که آن را با متن شاهنامه مقایسه کرده‌ام. این داستان از دو صفحه تشکیل شده است که نسخه اصلی یک صفحه آن در کتابخانه ملی پاریس و صفحه دیگرش در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. محل کشف آن هم در «غارهای هزار بودا» نزدیک شهر توین هوانگ (دون هوان) در ایالت کانسوی چین بوده است.

در سال ۱۹۰۰ میلادی، هنگام تعمیر یکی از این غارها، کتابخانه‌ای کشف شد که به مدت ۹ قرن بسته و دست‌نخورده باقی مانده بود. در سال ۱۹۰۷ سراسورل استین از غارهای هزاربودا دیدن کرد و به داخل کتابخانه راه یافت و بسیاری از مدارک و نوشته‌ها را با خود به بریتانیا برد. بعد یک دانشمند چینی به آنجا رفت و مدارکی را که به یک خط و زبان ناشناخته بود همراه خود به کتابخانه ملی پاریس برد. سال‌ها بعد معلوم

شد که آن مدارک به زبان سغدی است و داستان رستم ما به همراه جهانگردان دانشمند از چین به اروپا سفر کرده است. البته اول و آخر متن افتاده است و معلوم می‌شود که این قسمت داستان مفصل‌تری بوده که موضوع اصلی آن داستان جنگ رستم با دیوان است. ترجمه متن سغدی داستان از متن موجود در موزه بریتانیا شروع شد. سپس آلمانی‌ها در سال ۱۹۳۱ آن را به آلمانی و در سال ۱۹۴۰ بنویسند قسمت اول داستان را در کتابخانه ملی پاریس به فرانسه ترجمه کرده‌اند.

● تاکنون کدام آثار شما کتاب برگزیده سال شده است؟

○ زبان‌های خاموش در سال ۱۳۶۵ و فرهنگ‌نامه سغدی در سال ۱۳۷۴.

● مضامین آثار سغدی مربوط به چیست؟

○ به طور کلی متون دینی؛ که این درباره مدارک مکشوف در چین و ترکستان بیشتر صدق می‌کند.

● شما در فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چه

زمینه‌ای فعالیت می‌کنید؟

○ من از سال ۱۳۷۷ عضو شورای عالی فرهنگستان و عضو پیوسته آن شدم. خوب این افتخار بود و با افراد بسیار زنده و دانشمند همکار شدم. ابتدا در بخش واژه و گزینه کار کردم.

● در این بخش چه فعالیت‌هایی انجام می‌شود؟

○ ابتدا در جلساتی واژه‌های جمع‌آوری شده مطرح می‌شود. حتی در مورد واژه‌های جدید بحث می‌شود. ممکن است درباره املاي واژگان چند ماه بحث شود. سپس تمام موارد در شورا مطرح و تصمیم نهایی گرفته می‌شود. من جزو چهار پنج نفری بودم که در آن دوره به عضویت شورای فرهنگستان انتخاب شده بودم. گاهی هم سخنرانی می‌کردم، به خصوص درباره نقش سغدی‌ها در گسترش فرهنگ ایران در آسیای میانه و در چین و به طور کلی در دنیا.

● خانم دکتر در بخش گویش‌ها هم فعال هستید؟

○ بله در سال ۱۳۷۸ مدیر گروه گویش‌شناسی شدم و از سال ۱۳۸۳ هم در گروه زبان‌های ایرانی کار کردم.

● یعنی شما مدیریت هر دو بخش را بر عهده دارید؟

○ نخیر. تا مدتی هر دو را مدیریت می‌کردم، اما چون بار خیلی سنگین بود از گویش‌شناسی استعفا دادم و اکنون فقط مدیریت زبان‌های ایرانی را بر عهده دارم.

● آیا طرح‌هایی هم در دست اجرا دارید؟

○ بله. جمع‌آوری مجموعه‌ای از واژگان سغدی که در فرهنگ

سغدی نبود. دکتر رضا باغبیدی پیشنهاد کرده‌اند یک فرهنگ‌نامه کوچک از دل فرهنگ‌نامه قطور سغدی به سرپرستی اینجانب تنظیم و تدوین شود تا دانشجویان مبتدی بتوانند استفاده کنند و کتابی روزآمد از دستور زبان سغدی باشد.

● آیا شما در مراکز علمی دیگری هم فعالیت دارید؟
○ بله. عضو شورای علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی هستم و از اساتید مدعو دانشگاه‌های هاروارد و یوتای آمریکا.

● خانم دکتر از خاطرات دوران دانشجویی خود گفتید و اسامی اساتید گرانقدری که الگوی فعالیت‌های علمی‌تان شدند. چند تن از دانشجویان خود را هم نام می‌برید؟

پارچه ابریشمی
به دست آمده از ناحیه سغد
متعلق به قرن هشتم و نهم میلادی



○ بله. برخی از دانشجویان من امروز خود از استادان توانمند هستند. دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور، دکتر زهره زرشناس و دکتر مجتبی منشی‌زاده و یا برخی که در رشته تاریخ دکتری گرفته‌اند چون آرزو رسولی که در دانشگاه تدریس می‌کنند.

● خانم دکتر! شما طبع شعر دارید و مجموعه‌ای از اشعارتان هم به چاپ رسیده است. لطفاً بفرمایید شعرهای خود چه مضامینی را توصیف می‌کنید؟
○ به دلیل علاقه‌مندی به طبیعت بخشی از اشعار من در وصف طبیعت است. برخی طنز و گاهی هم در زمینه فلسفی شعر گفته‌ام.

● آیا ممکن است به بخشی از اشعار خود اشاره بفرمایید؟

○ در توصیف بهار خیلی مختصر:
نوروز سر رسید و به گل رنگ و آب داد
سنبل به بوی عید سر زلف تاب داد
طفل شکوفه پیرهن نو به تن کشید
لاله قدح گرفت و به نرگس شراب داد
باران فرودین به سرانگشت در فشان
بر کودکان باغ و چمن زرناب داد

● خانم دکتر از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید بسیار متشکریم. به عنوان آخرین سخن اگر صحبتی دارید بفرمایید.

○ چون خوانندگان شما دبیران تاریخ هستند، با تشکر از شما، چند بیت از اشعاری را که درباره بیستون سروده‌ام می‌خوانم:
میراث پر بهای کهن ایران
تاریخ نقش بسته به سنگستان
ای یادگار خوب پدرهامان
نقشی به سینه داری از آن دوران
جای خدای حک شده در نامت
می‌بینم استواری اندامت
بر چهره فراخ تو چندین زخم
آورده تازبانة ایامت
تو «بی‌ستون» نه‌ای، که ستون‌هایت
تصویری از گذشته پیروزی است